

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۳۶، سال ششم، آوریل ۲۰۰۶

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان



فهرست مطالب

● تجهیز مقدسان:

بخش دوم: کشف عطاهاى شخصى (تت استیوارت)

● تشخیص قدرت جهان‌بینی فرد- بخش پنجم (تت استیوارت)

● آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش دوم: آغاز نهضت پروتستان- مارتین لوتر (آرمان رشدی)

● انجیل مرقس: پیامی برای جفاکشان (مهدی عبهری)

● تشخیص دعوت الهی برای خدمت

بخش اول: خدایی که شما را دعوت می‌کند (تت استیوارت)

تجهیز مقدسان

بخش دوم: کشف عطا‌های شخصی

کشیش تت استیوآرت

”همچون کارگزاران امین بر فیض گوناگون خدا، یکدیگر را با هر عطایی که یافته‌اید، خدمت کنید“ (اول پطرس ۴:۱۰، هزاره نو).

یکی از خصوصیات حیاتی رهبر مسیحی، این است که دیگران را برای خدمت مجهز سازد. در بخش اول این مجموعه، دیدیم که عدم آگاهی از عطا‌های روحانی، اغلب منجر به این مشکل می‌شود که ایماندار خود را با دیگران مقایسه کند، یا اینکه فرد عطا‌های دیگران را از دیدگاه عطای خاص خود مورد داوری و سنجش قرار دهد. عده‌ای نیز احساس عدم رضایت می‌کنند چرا که هیچگاه عطای منحصر به فردی را که خدا برای خدمت به ایشان داده، کشف نمی‌کنند. بنابراین، نخستین گام در جهت تجهیز کلیسا زمانی برداشته می‌شود که رهبر به این یقین برسد که باید خودش عطا‌های گوناگون را درست درک کند و سپس آن را به گله‌اش تعلیم دهد. در اول پطرس ۴:۱۰، این تأیید وجود دارد که هر ایماندار از عطا‌هایی خاص برخوردار است. بر اساس درک درست کتاب مقدس، می‌دانیم که هر که عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده و خداوند بپذیرد، سکونت روح القدس را در خود خواهد داشت و روح القدس به وی یک یا چندین عطا ارزانی خواهد نمود. پطرس رسول ایماندار را سفارش می‌کند به اینکه همچون کارگزار یا پیشکار امین فیض خدا، از عطا‌های خود برای خدمت به دیگران استفاده کند. او ایماندار را فرا می‌خواند تا عطا‌های خود را کشف کند و سپس آنها را شکوفا سازد و به‌کار ببرد. در این مقاله، می‌خواهم فرایندی را تشریح کنم که به‌واسطه آن می‌توانیم عطا‌های روحانی خود را کشف کنیم و آنها را در بدن مسیح به‌کار بیندازیم.

شخصاً چه نیازی را تشخیص می‌دهیم؟

یکی از نخستین گامها در جهت کشف عطای روحانی خود، می‌تواند در نیازهایی باشد که شما خودتان در بدن مسیح تشخیص می‌دهید. همه همان نیازها را در کلیسا نمی‌بینند زیرا هر کس کلیسا را از عینک عطای خاص خود مورد ملاحظه قرار می‌دهد. از خودتان بپرسید چه نیازی در گروه شما واقعاً شما را نگران می‌سازد. من شخصاً بیشتر دغدغه کمبود تعلیم را دارم، لذا متوجه می‌شوم که نسبت به سایر معلمان حالتی انتقادی دارم؛ علتش این است که این یکی عطا‌های روحانی من است. اخیراً در باره این موضوع با عضوی از یکی از کلیساهای محلی بحث می‌کردم که از شبانش انتقاد می‌کرد که چرا بیش از اینها به گله‌اش سرکشی نمی‌کند. وقتی به او گفتم که شاید این عطای خودش باشد که ملاقات‌ها را انجام دهد، تعجب کرد. برایم روشن

شد که او انتظار داشت که شبانش از همه عطاها برخوردار باشد و به فکرش خطور نکرده بود که شاید دیگران در همان جماعت باشند که عطا رحمت و حتی عطا شبانی داشته باشند. در طول سالهایی که در مقام شبان خدمت کرده‌ام، بسیاری به من مراجعه کرده‌اند و نگرانی خود را در باره برخی از نیازها ابراز داشته‌اند. در دوران جوانی‌ام، احساس می‌کردم که باید همه کار برای همه انجام دهم، اما تجربه و درک بهتر کتاب مقدس به من آموخت که کسی را که به من مراجعه می‌کند، ترغیب کنم که وارد نوعی خدمت گردد.

عملاً وارد نوعی خدمت شویم

گام دوم این است که ایمانداران را تشویق کنیم که وارد نوعی خدمت شوند، زیرا فقط در حین انجام خدمت است که عطاهایمان تأیید می‌شوند. بعضی‌ها گویا در رؤیا هستند و فکر می‌کنند که عطاها بسیار دارند؛ اما به‌هنگام خدمت عملی است که ثابت می‌شود درست فکر می‌کنند یا نه. بعضی دیگر نیز هستند که فکر می‌کنند هیچ عطایی ندارند، اما وقتی مشغول انجام خدمتی می‌شوند، عطایشان آشکار می‌گردد. در اینجا است که تشخیص رهبر می‌تواند کارساز باشد، زیرا اگر بتواند احساس کند که عطا فرد چیست و او را تشویق کند تا خدمتی را شروع کند، آن شخص همیشه سپاسگزار او خواهد بود. در یکی از کلیساهای من، مردی خجالتی بود که خیلی زود تشخیص دادم که عطایی برای خدمت دارد. آنانی که عطا خدمت دارند، معمولاً در پی جلب توجه نیستند، بلکه رضایت خود را از کمک به دیگران دریافت می‌کنند. این مرد دوست داشت کارهایی را انجام دهد که باعث می‌شد من از انجام آنها آزاد شوم. من توانستم او را به انجام برخی خدمات در کلیسا هدایت کنم.

نشانه‌های ارزیابی عطاها شخصی

گام سوم این است که به دیگران کمک کنیم تا عطاها خود را ارزیابی کنند، زیرا وقتی شخص مطابق عطاها خود خدمت می‌کند، چند نشانه نمودار می‌شود.

● کسی که مطابق عطا خود خدمت می‌کند، معمولاً از خدمت خود لذت می‌برد و از آن دلزده نمی‌شود. اخیراً بعد از ساعت‌ها موعظه در کنفرانسی، شخصی به من گفت: "حتماً خیلی خسته شده‌اید!" لحظه‌ای به این گفته فکر کردم و پی بردم که خسته نبودم، چون از کارم لذت برده بودم.

● کسی که مطابق عطاهاش خدمت می‌کند، معمولاً در عطاها خود ترقی کرده، در انجام آنها قوی‌تر می‌شود. او اشتیاق دارد در خدمتش استعلا بیابد. برای مثال، معلم بیشتر مطالعه می‌کند تا معلم بهتری بشود؛ واعظ به موعظه‌های بیشتری گوش می‌کند تا واعظ بهتری بشود؛ و مشاور ساعت‌ها به مشکلات مردم گوش می‌کند تا قادر شود بهتر بر اساس کتاب مقدس مشورت بدهد. توجه به این نکته بسیار مهم است، زیرا وقتی دیگران را در خدمتشان مورد ملاحظه قرار می‌دهید، مایل می‌شوید ایشان را تشویق به ترقی کنید.

● کسی که مطابق عطاهايش خدمت می‌کند، ثمرات روزافزونتری می‌بیند و دیگران نیز از خدمت او برکت می‌یابند؛ و این تأییدی است نیرومند بر عطاهاى روحانى او. در یکی از کلیساهایی که خدمت می‌کردم، خانمی بود که معمولاً در جلسات سرود می‌خواند. گرچه صدای قوی‌ای نداشت، اما این عطای خاص را داشت که از طریق سراییدن، امواج شادی را به دیگران منتقل کند. هر بار که سرودی می‌خواند، بسیاری نزدش می‌رفتند و به او می‌گفتند که چقدر از خدمتش برکت یافته‌اند.

عطای اصلی هر فرد

در مورد اینکه شخص می‌تواند از چند عطا برخوردار باشد و اینکه آیا خدا برای زمان‌های مختلف عطاهاى مختلف می‌دهد، بحث‌های زیادی هست. مشاهده شخصی من این بوده که خدا ممکن است عطاهاى مختلفی به شخص بدهد، اما بعضی از آنها فعال باشد و بعضی دیگر غیرفعال. تصور من این است که هر شخص عطای اصلی و انگیزش‌دهنده‌ای دارد که تاج خدمت او می‌گردد و اگر درست تشخیص داده شود، باعث برکت خواهد شد. در مقالات بعدی، به این عطاهاى اصلی و انگیزش‌دهنده خواهیم پرداخت و کمک خواهیم کرد تا هر کس عطای خاص خود را بیابد. فرموده پولس رسول را به تیموتاؤس فراموش نکنید که فرمود: ”به آن عطایی که در توست بی‌اعتنایی مکن“ (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴، هزاره نو).

تشخیص قدرت جهان بینی فرد

بخش پنجم: اصلاح جهان بینی قدیمی ایمانداران

کشیش تت استیوآرت

”و دیگر همشکل این عصر (یا این دنیا) مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود، دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص خواست خدا خواهید بود، خواست نیکو، پسندیده و کامل او“ (رومیان ۲:۱۲، هزاره نو).

قدرت جهان بینی فرد

در مقاله های گذشته دیدیم که ارائه تعلیم درست کلام خدا حیاتی است؛ اما علاوه بر آن، ضروری است که جهان بینی فردی را که می خواهد شاگرد مسیح بشود، تشخیص دهیم و بکشیم آن را دگرگون سازیم تا همخوان شود با جهان بینی کتاب مقدس. پولس ما را سفارش می کند که با الگوهای این دنیا همگام نشویم. شکی ندارم که پولس در انتخاب کلماتی که به کار می برد، دقتی فراوان به خرج می داد. دنیای ما نه فقط اندیشه هایی دارد که خود را بر خلاف معرفت خداوند ما عیسی مسیح بر می افرازند، بلکه این اندیشه ها تحت الگوها و نظام های خاصی سازماندهی شده اند که تحت کنترل کامل شیطان است. یوحنا ی رسول در این زمینه بسیار روشن تعلیم داده، می فرماید: ”تمامی دنیا در آن شرور لمیده است“ (اول یوحنا ۵:۱۹، هزاره نو). این نظام اندیشه ها بر مفروضاتی استوار است که هر تصور و ارزش و عملی را عملاً تعریف می کند؛ همین نظام اندیشه ها یا جهان بینی است که ممکن است بر آنانی نیز که توسط راستی مطلق، یعنی کلام خدا، رهایی نیافته اند، مسلط باشد. این جهان بینی آنچنان نیرومند است که یوحنا ی رسول وقتی در باره دجال می نویسد، می فرماید که آنانی که از دیدگاه این جهان سخن می گویند، همیشه مورد توجه جهان قرار می گیرند، اما ”ما از خدا هستیم و کسی که خدا را می شناسد، به ما گوش می سپارد؛ ولی آن که از خدا نیست، به ما گوش نمی سپارد. روح حق و روح گمراهی را این گونه از هم باز می شناسیم“ (اول یوحنا ۴:۶). امید من این است که در این بحث های کوتاه در خصوص تشخیص قدرت جهان بینی افراد، روش تعلیم خود را تغییر دهید تا نه فقط اعتقادات مسیحی را آموزش دهید، بلکه عقاید نادرستی را اصلاح کنید که عمیقاً ریشه دارد در دل و ذهن آنانی که از زمینه های غیر مسیحی می آیند.

خدایی دور از دسترس

وقتی خود را برای تعلیم آنانی که از زمینه‌های غیرمسیحی می‌آیند آماده می‌کنم، می‌کوشم پیش‌فرض‌های جهان‌بینی آنان را درک کنم. می‌دانم که بسیاری از آنان که تحت تعلیم ما قرار می‌گیرند، از جهان‌بینی‌ای می‌آیند که شدیداً تصریح می‌کند که نمی‌توان خدا را شناخت و با او ارتباط شخصی برقرار کرد. چنین نگرشی فرض را بر این دارد که خدا نیرویی است در دوردست‌ها و همه چیز را تحت کنترل خود دارد، اما خدایی شخصی نیست. در این نگرش، خدا فقط به اعمال انسان توجه دارد و لذا فقط کسانی را دوست دارد که محبت او را از طریق اعمال نیک جلب کنند. حال فرض کنید که چنین شخصی پیام انجیل را می‌شنود که به هر یک از این پیش‌فرض‌ها می‌پردازد. کتاب مقدس بروشنی تعلیم می‌دهد که خدا در میان انسانها حضور دارد. او با ابراهیم بود و وی را فرا خواند تا او را تا به سرزمینی جدید پیروی کند. او در بوته فروزان با ابراهیم بود و او را برای رسالتی خاص مبعوث کرد. او وقتی بنی اسرائیل را هدایت می‌کرد، در ستون آتش در شب و در ستون ابر در روز، حضور داشت. اما مهم‌تر از همه، او به واسطه شخص عیسی مسیح با ما و در ما حضور دارد. یوحنا‌ی رسول در انجیل خود، فصل ۱، آیه ۱۴ می‌فرماید: ”و کلام، انسان خاکی شد و در میان ما مسکن گزید. و ما بر جلال او نگریستیم، جلالی درخور آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی.“ خدا نه فقط با ما است، بلکه در شخصی نزد ما آمد که می‌توانیم با او رابطه شخصی داشته باشیم. ”اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید“ (یوحنا ۱۴:۷). و نه فقط می‌توانیم او را بشناسیم، بلکه رابطه ما با او بر اعمال نیک مذهبی‌مان استوار نیست، بلکه بر ایمانی صادقانه به پسرش. ”زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید- و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست- و نه از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود بیابد“ (افسیان ۸:۲-۹).

پس‌مانده‌ها

حال، می‌دانم که خیلی‌ها با آنچه که در مورد طبیعت خدا گفتم کاملاً موافق‌اند، اما در عمل طوری رفتار می‌کنند که نشان می‌دهد هنوز در محدوده جهان‌بینی قدیمی قرار دارند. در اوائل خدمتم، متوجه تفکرات و رسومی شدم که مرا منقلب کرد. اولین آنها، تفکر بعضی‌ها بود که طبق آن، خادم کلیسا باید همچون میانجی‌ای میان خدا و کلیسایش عمل کند. بسیاری به من می‌گفتند که دعاهای من کارسازتر از دعای خودشان می‌باشد، برای همین از من می‌خواستند که برایشان دعا کنم. این دسته از افراد هنوز در آن جهان‌بینی قدیمی عمل می‌کردند که طبق آن، خدا آنقدر دور است که شخص باید نزد آنانی برود که رابطه خاصی با او دارند تا به این شکل، اطمینان یابد که دعایش شنیده می‌شود. بعضی دیگر به من مراجعه می‌کردند و اعتراف می‌کردند که گناهی در زندگی‌شان هست، و از من می‌خواستند تا دعا کنم تا آن گناه از ایشان دور شود. گویا تصور می‌کردند که در من قدرتی هست که در ایشان نیست. این نیز برخاسته از آن تفکر کهنه است که طبق آن،

افراد مقدسی وجود دارند که رابطه خاصی با خدا دارند. ایشان تعلیم کتاب مقدس در خصوص تقدیس و نیز کهنانت همه ایمانداران را نادرست درک کرده بودند. این ایمانداران عزیز حقایق کتاب مقدس را تعلیم گرفته بودند، اما هنوز واکنششان به امور زندگی، مطابق با جهان بینی کهنه‌شان بود.

قدرت جادویی خادم!

اجازه بدهید عمل دیگری را ذکر کنم که کاملاً مخالف انجیل است. به هر کلیسایی که می‌روم، می‌شنوم که کسی می‌گوید: ”با خدا عهد کرده‌ام که اگر دعایم را اجابت کند، پولی به کلیسا بدهم.“ کسانی به من مراجعه کرده و سعی کرده‌اند پولی در دستم بگذارند تا برایشان دعا کنم. عزیزان، این کارها و رسوم جایی در کلیسای عیسی مسیح ندارد، زیرا او بهای کامل گناهان ما را پرداخته و راه را برای ما گشوده تا بتوانیم به تخت خدا نزدیک شویم. در عبرانیان ۱۶:۴ می‌فرماید: ”پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به‌هنگام نیاز یاری‌مان دهد.“ هر ایمانداری این افتخار را دارد که در نام عیسی مسیح به حضور خدا بیاید، با این اطمینان که او دعایش را می‌شنود.

وقتی در کلیساهایمان به رسوم نظیر اینها بر می‌خورم، می‌دانم که اینها پس‌مانده‌های جهان‌بینی کهنه است. پس با تعلیم خود به ریشه این فریبه‌ها حمله می‌کنم و آموزه‌های فیض را از کتاب مقدس آموزش می‌دهم. همسنگران گرامی، دل و ذهن خود را تفتیش کنید تا اطمینان بیابید که همشکل روشها و رسوم جهان‌بینی قدیمی نیستید، بلکه با نو شدن ذهن خود، دگرگون شده‌اید و دیگران را نیز در همین مسیر تعلیم می‌دهید.

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

آرمان رشدی

بخش دوم: آغاز نهضت پروتستان- مارتین لوتر

در شماره پیشین، به بررسی اجمالی کلیساهای ارتودوکس و کاتولیک پرداختیم و دیدیم که تفاوت اصلی این کلیساها با کلیساهای پروتستان در تعیین مرجعیت ایمان و عمل است. منظور این است که این دو کلیسا، یعنی کلیساهای ارتودوکس و کاتولیک، قائل هستند به سه مرجع برای تعیین اصول اعتقادات و آیینهای عبادی و روش زندگی مسیحی. این سه مرجع عبارتند از کتاب مقدس، سنت پدران، و تصمیمات کلیسا. در این میان، کلیسا از جایگاه خاصی برخوردار است، چرا که این کلیسا است که می‌تواند کتاب مقدس را تفسیر کند و تعلیم دهد و سنت پدران را نیز تعبیر کند و به اجرا در آورد.

وضیعت کلیسای کاتولیک در اواخر قرون وسطی

پیش از آنکه به بررسی موضوع نهضت پروتستان بپردازیم، لازم است نکته مهم دیگری را نیز در خصوص کلیسای کاتولیک بیان کنیم. در کتاب مقدس فقط دو آیین مقدس ذکر شده، آیین غسل تعمید و آیین عشاء ربانی. اما کلیسای کاتولیک در طول قرون وسطی (قرن‌های ششم تا پانزدهم میلادی)، پنج آیین دیگر نیز به تدریج به این دو آیین افزود که عبارتند از آیینهای تأنید، توبه، انتصاب به مقامات کلیسایی، تدهین بیماران و محتضران، و ازدواج. آیین تأنید این است که کودکانی که غسل تعمید گرفته‌اند، در سنین بالاتر، یعنی از حدود ۹ سالگی به بالا، باید خود را با گذراندن دوره‌هایی، برای عضویت در کلیسا و شرکت در رسم عشاء ربانی آماده کنند. اسقف یا کشیش با دست‌گذاری و تدهین شخص با روغن مقدس، او را رسماً به عضویت کلیسا می‌پذیرد. در آیین توبه، مسیحی کاتولیک موظف است به‌طور مرتب نزد کشیش به گناهان خود اعتراف کند و کشیش با بیان فرمولی، آمرزش او را اعلام کند. سه آیین دیگر نیز از نامشان مشخص می‌باشند.

مرجع سوم کلیسای کاتولیک که همانا اقتدارات و اختیارات کلیسا در تعیین اصول اعتقادات و تعلیم کتاب مقدس و تفسیر آن، و نیز تعیین و تأنید آیینهای جدید و نحوه عبادات می‌باشد، عامل اصلی در شاخ و برگ یافتن اعتقادات و مراسم این کلیسا است، به‌گونه‌ای که نظام کاتولیک در اواخر قرون وسطی و پیش از آنکه مارتین لوتر اعتراضات خود را عنوان کند، به شکلی در آمده بود که به زحمت می‌شد در آن، اثری از الگوی عهدجدید برای اعتقادات و عبادات یافت. تشکیلات عریض و طویل دربار پاپها، سلطه آنان بر پادشاهان کشورهای اروپایی، ثروت دربار پاپ که از راه اخذ مالیات‌های سنگین از کشورهای اروپایی

حاصل می‌شد، فساد اخلاقی اسقفان و کشیشان که علناً معشوقه نگه می‌داشتند، فساد اداری نظام کلیسایی که باعث می‌شد مقامات کلیسایی علناً خرید و فروش شود، توجه به ظواهر آیینها و خالی کردن آنها از ایمانی قلبی و صادقانه، سلطه و اعمال قدرت کشیشان بر مسیحیان به واسطه منحصر کردن خدمات کلیسایی به خود، و نظایر اینها، مسیحیت را از شکل اصلی‌اش خارج ساخته بود. فقط اسقفان و کشیشان می‌توانستند با دعای خود، عشاء ربانی را تقدیس کنند و به‌عنوان بدن و خون واقعی مسیح به مسیحیان بدهند. شرکت در این آیین بود که می‌توانست روح مسیحیان را از عذاب دوزخ نجات دهد. کشیش این اختیار را داشت که کسانی را از عشاء ربانی محروم کند و به این وسیله، روح او را محکوم به عذاب جهنم سازد. این امر به کلیسا اختیار و اقتداری جادویی می‌بخشید. گویی کلیسا بر سرنوشت ابدی مسیحیان اختیار و قدرت دارد. جان و مال مردم اروپا در دست کلیسا بود.

کشیشان معترض

مارتین لوتر نخستین کشیشی نبود که به چنین نظامی غیرکتاب‌مقدسی اعتراض کرد. در این میان کشیشان و روحانیونی بودند که ایمان صادقانه و تقدس را حفظ کرده، آن را به مردم تعلیم می‌دادند. اما اشکال کار از سر ماهی بود، نه از دُمش! عده‌ای از کشیشان معترض یا در صومعه‌ها ترک دنیا اختیار می‌کردند، یا در اثر اعتراضات سازش‌ناپذیر خود، از سوی دربار پاپ محکوم به مرگ می‌شدند که از آن جمله‌اند جان ویکلیف انگلیسی (۱۳۳۰-۱۳۸۴) و یان هُوس اهل چک (۱۳۷۲-۱۴۱۵).

ظهور مارتین لوتر

در چنین اوضاع و احوالی بود که مارتین لوتر در شهر کوچک آیزلین آلمان در سال ۱۴۸۳ چشم به جهان گشود. او پس از طی تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۵۰۷ به سلک کشیشان پیوست و بلافاصله به تدریس الهیات در دانشگاه‌های آلمان پرداخت. او به زبانهای لاتین و یونانی و عبری تسلط یافته بود. در سال ۱۵۱۰ و ۱۵۱۱ برای رسیدگی به برخی امور مذهبی، به روم سفر کرد و با مشاهده جلال و جبروت دربار پاپ و انحطاط اخلاقی و اداری آنجا منقلب و دلزده شد. در همین سال بود که او دکترای الهیات خود را از دانشگاه ویتن‌برگ دریافت داشت. لوتر در حین تدریس الهیات و کتاب‌مقدس در دانشگاهها، در اثر تحقیق و تدریس رسالات رومیان و غلاطیان، به‌تدریج به این نتیجه رسید که نجات تنها به‌واسطه ایمان به عیسی مسیح میسر است، نه آنگونه که کلیسای کاتولیک تعلیم می‌داد، به‌واسطه اجرای آیین‌های مقدس. همچنین او دریافت که یگانه مرجعی که اصول اعتقادات و عبادات و روش زندگی مسیحی را تعیین می‌کند، کتاب‌مقدس است و بس. در اینجا بود که روح منقلب او آرامش نجات را دریافت داشت. در حین این سالهای تنویر، لوتر هوادارانی در میان اساتید دانشگاه و کشیشان پیدا کرد.

نخستین جرقه

اما در سال ۱۵۱۷ اتفاقی افتاد که همچون جرقه‌ای بود بر مخزن بنزین. ماجرا به‌طور خلاصه از این قرار بود که اسقف یکی از مناطق آلمان می‌خواست به اسقفی منطقه مجاور نیز برسد. اما این کار از نظر قانون کلیسا ممنوع بود، مگر آنکه پاپ رضایت دهد. پاپ نیز برای موافقت با این امر، مبلغ کلانی پول مطالبه می‌کرد تا صرف هزینه‌های بنای کلیسای سنت پیتر بسازد که امروز نیز در واتیکان موجود است. پاپ به‌منظور آنکه به آن اسقف کمک کرده باشد، به او اجازه داد که اسنادی را به فروش برساند به‌نام مغفرت‌نامه. همانطور که قبلاً گفتیم، یکی از آیینهای کلیسای کاتولیک، آیین توبه است. در آیین توبه، کشیش پس از شنیدن اعتراف به گناه فرد، و پیش از ادای فرمول آمرزش، می‌تواند از فرد بخواهد که صدقه‌ای به فقرا بدهد یا روزه بگیرد یا کار خاصی انجام دهد. طبق این آیین و مطابق تجویز پاپ، اسقف مورد بحث مجاز شد که در ازای ادای فرمول آمرزش، مغفرت‌نامه‌ای به فرد بفروشد. این مغفرت‌نامه، شخص را مطمئن می‌ساخت که گناهانش نه فقط در این دنیا، بلکه در آخرت نیز آمرزیده شده. شخص حتی می‌توانست برای بستگان متوفای خود نیز مغفرت‌نامه بخرد تا مدت اقامت آنان را در برزخ، میلیونها سال کوتاه کند! بهای این مغفرت‌نامه‌ها بستگی به میزان ثروت فرد داشت. مستمندان بهایی نمی‌پرداختند.

در تاریخ ۳۱ اکتبر سال ۱۵۱۷، لوتر در اعتراض به چنین اقدامی، اعتراضی شامل نود و پنج ماده نوشت و آن را بر سردر کلیسای قصر ویتن‌برگ نصب کرد. این اعتراض لوتر صرفاً بر علیه سوء استفاده از نظام مغفرت‌نامه‌ها بود. اما بین سالهای ۱۵۱۸ تا ۱۵۲۱ لوتر متقاعد شد که تنها راه برای تحول و اصلاح نظام کلیسایی، جدایی از روم و نظام کلیسایی آن است.

مقامات مختلف کلیسایی کوشیدند لوتر را از عقایدش بر گردانند یا او را خاموش سازند. به این منظور، شوراهای مختلفی تشکیل دادند. اما لوتر شجاعانه در تمام آنها شرکت کرد و می‌گفت که یگانه مرجع قابل قبول برای او، کتاب مقدس است؛ هر چه بر اساس کتاب مقدس قابل اثبات نباشد، از نظر او خارج دین است.

چکیده عقاید لوتر

عقاید و نظرات لوتر از طریق موعظه‌ها و نوشته‌های او خیلی سریع در میان مردم آلمان محبوبیت یافت و زمینه را برای جدایی کامل پیروان لوتر از کلیسای کاتولیک فراهم ساخت. او پایه‌های اساسی مذهب کاتولیک را رد کرد. طبق عقاید او، پاپ فاقد قدرت و اختیار بر زندگی روحانی و دنیایی مسیحیان بود و نمی‌بایست در امور سیاسی و اجتماعی کشورها دخالت کند؛ او فقط کتاب مقدس را حاکم بر حیات مسیحیان و کلیسا می‌دانست. او بر اساس عهد جدید اعتقاد داشت که همه ایمانداران کاهنان مسیح هستند و می‌توانند خودشان

خادمین خود را تعیین کنند. هر ایمانداری حق دارد کتاب مقدس را بخواند و درک کند و آن را تفسیر نماید. او هسته مرکزی مذهب کاتولیک را که همانا هفت آیین مقدس باشد رد کرد و فقط قائل به دو آیین بود، یعنی غسل تعمید و عشاء ربانی، تنها آیینهایی که در عهدجدید تصریح شده است. بالینحال، لوتر و یارانش به اعتقادنامه‌های کلیسای اولیه که بین سالهای ۳۲۵ تا ۴۵۱ میلادی تدوین شده بود پایبند بودند. از میان خدمات لوتر باید به نخستین ترجمه تمام کتاب مقدس از زبانهای اصلی به زبان آلمانی اشاره کرد. این امر باعث شد که زبان و دستور زبان آلمانی تثبیت شود. این ترجمه هنوز نیز در کشورهای آلمانی زبان کاربرد و اعتبار دارد. او با نظام رهبانیت مخالف بود و راهبها و راهبه‌ها را تشویق می‌کرد که عهد خود را بشکنند و ازدواج کنند.

عقاید و عبادات کلیسای لوتری

لوتر برای کلیسای نوبنیاد خود آیینهای مشخصی تهیه کرد که در ظاهر چندان تفاوتی با کلیسای کاتولیک ندارد، با این تفاوت که مریم مورد تکریم قرار نمی‌گیرد و عناصر عشاء ربانی، یعنی نان و شراب، تغییر ماهیت نمی‌دهند بلکه فقط ماهیت بدن و خون مسیح را بر خود حمل می‌کنند و به این ترتیب، مسیحیان واقعاً در بدن و خون مسیح شریک می‌شوند. کلیساهای لوتری دارای سلسله مراتب اسقفان و کشیشان و شماسان می‌باشند. کلیساهای لوتری در این امر با سایر کلیساهای پروتستان که پیرو نظرات ژان کالون هستند، تفاوت دارند (در این مورد در مقاله بعدی توضیح خواهیم داد). در کلیساهای لوتری، نوزادان را تعمید می‌دهند و در سنین بالاتر به عضویت کلیسا تأیید می‌شوند.

کلیساهای لوتری امروزه عمدتاً در کشورهای آلمان و اسکاندیناوی رواج دارند، هر چند که تقریباً در هر کشوری کلیساهای لوتری یافت می‌شود. در میان کلیساهای پروتستان، کلیسای لوتری نسبت به بقیه، به لحاظ اصول اعتقادات و آیینهای عبادی، کمتر از کلیسای کاتولیک فاصله گرفت.

علل توفیق لوتر

حال ممکن است این سؤال پیش آید که چرا معترضین پیش از لوتر یا سکوت اختیار کردند یا محکوم به مرگ شدند، حال آنکه لوتر در عنوان کردن و تثبیت اعتراض خود و ترویج عقاید خویش، علی‌رغم مخالفت‌های شدید نه فقط کشته نشد، بلکه توفیق هم یافت.

این امر علل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی متعددی دارد که تشریح آنها از مجال ما خارج است. در اینجا فقط به آنها اشاره می‌کنیم.

جامعه اروپا در اثر تماس با فرهنگ شرقی-اسلامی، به دنبال جنگهای صلیبی، روح جدیدی یافته بود. توجه به زبان یونانی که زبان کلاسیک قدیم به‌شمار می‌آمد و نیز به هنر باستانی یونان و فلسفه آن، تفکر اروپا را

متحول کرده بود. همین امر باعث شده بود که عده‌ای از کشیشان متفکر به مطالعه کتاب مقدس به زبانهای اصلی (عبری و یونانی) علاقه نشان دهند. این امر خون تازه‌ای به بدن فرسوده مسیحیت قرون وسطی وارد کرد و باعث شد که تعالیم عهدجدید مورد توجه بسیار قرار گیرد. مارتین لوتر تحت تأثیر همین امر، کتاب مقدس را برای نخستین بار از زبانهای اصلی به آلمانی ترجمه کرد.

وضع اقتصادی جامعه در اثر پیدایی طبقه متوسط متشکل از بازرگانان متحول شده بود و نظام ارباب و رعیتی ضربه شدیدی خورد. ثروت جدیدی در اثر این تجارت‌ها وارد اروپا گردیده بود. کشف قاره آمریکا و ثروت ناشی از آن برای اروپاییان را نباید فراموش کرد.

حکومت‌های محلی و ملی قدرت گرفته بودند و مایل بودند به نحوی از سلطه سیاسی پاپها خارج شوند. عقاید جدید لوتر مبنی بر رد سیطره پاپ، بهانه لازم را به حکام محلی آلمان، و بعد سایر کشورها داد. همین حکام بودند که لوتر را مورد پشتیبانی سیاسی و نظامی خود قرار دادند و مانع کشته شدن او شدند. و بالاخره، نباید از نظر دور داشت که اختراع دستگاه چاپ سبب شده بود که مردم بتوانند راحت‌تر و ارزانتر به کتاب دسترسی داشته باشند و این امر تحولی در سطح سواد جامعه و معلومات عمومی ایجاد کرد. این علل که به‌شکلی اجمالی و گذرا مورد اشاره شد، همگی در توفیق لوتر دخیل بودند.

معنی اصطلاح "پروتستان"

استقرار کلیسای لوتری در آلمان بدون درگیری و جنگ صورت نگرفت. هنوز بسیاری از استانهای آلمان به مذهب کاتولیک وفادار مانده بودند. شوراهایی برای رفع اختلاف تشکیل شد. در شورایی به‌سال ۱۵۲۶ متشکل از نمایندگان استانهای مختلف، تصویب شد که حاکم هر استان می‌تواند تصمیم بگیرد که منطقه تحت نفوذش پیرو مذهب کاتولیک باشد یا کلیسای لوتری. اما این تصمیم در شورای دیگری به‌سال ۱۵۲۹ لغو شد و کاتولیکها موفق شدند به تصویب برسانند که آلمان کشوری است کاتولیک. در این شورا، شش حاکم مناطق لوتری و نمایندگان چهارده شهر مستقل، "اعتراضی" به این مصوبه قرائت کردند. به این شکل بود که در سال ۱۵۲۹، برای نخستین بار، پیروان لوتر و نهضت او "پروتستان" خوانده شدند، یعنی "اعتراض‌کنندگان".

کلیسای لوتری نخستین کلیسای پروتستان است. اما اشخاص دیگری نیز در کشورهای دیگر دست به اعتراض زدند و کلیساهای دیگری تحت همان عنوان کلی پروتستان تشکیل دادند. برجسته‌ترین شخصیت چنین حرکت‌هایی، شخصی است فرانسوی به نام ژان کالون که بخش عمده کلیساهای پروتستان پیرو نظرات او هستند. در شماره بعدی، به بررسی عقاید کالون خواهیم پرداخت و شروع به تشریح اصول اعتقادی و عبادات سایر کلیساهای نهضت پروتستان خواهیم کرد.

انجیل مرقس

پیامی برای جفادیدگان

از کشیش مهدی عبهری

حضرت مرقس قبل از اینکه نویسنده باشد، یک واعظ بود، و انجیلی که به نام او به جا مانده دارای خصوصیات یک موعظه خوب است. برای اینکه از موعظه مرقس لذت ببریم، بهترین کار این است که تمام شانزده فصل آن را در یک نشست، بلند بخوانیم و به صدای خودمان گوش دهیم.

جامعه مرقس

جامعه‌ای که مرقس می‌خواست موعظه‌اش را بشنوند، غالباً برده و از طبقات پایین اجتماع بودند و طبیعتاً در آن زمان که کتاب و کتاب‌خوان به‌ندرت پیدا می‌شد، تعلیمات بیشتر به‌صورت شفاهی انجام می‌شد و از سینه‌ای به سینه دیگر و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید.

خصوصیت دیگر آن جامعه، جور و جفایی بود که به‌خاطر ایمان خود متحمل می‌شدند. این یکی از نخستین جفاهایی بود که در زمان حکومت نرون، امپراطور دیوانه روم شروع شده بود و گروه کثیری، اسیر و زندانی و فراری و کشته شده بودند. عده‌ای نیز با شک و تردید از خود می‌پرسیدند: ”چرا آن فرزند خدا، آن منجی و رهاننده، به داد ما نمی‌رسد و ما را از ظلم و جور حکام ظالم آزاد نمی‌کند؟“

پس مرقس در کلیساها، کنیسه‌ها و خانه‌های مخفی و غارها برای ایمانداران موعظه کرده، آنها را تشویق می‌کرد تا در ایمان استوار بمانند و سختی‌ها را با صبر و بردباری تحمل کنند، چرا که پیروزی نهایی از آن آنان خواهد بود. بعدها این موعظه جمع‌آوری شد و به‌صورت انجیل مرقس در آمد.

انجیل مرقس، موعظه‌ای خوب

وقتی به‌عنوان یک موعظه به این انجیل نگاه کنیم یا گوش دهیم، می‌توانیم هیجان و ضربان قلب واعظ را حس کنیم و اهمیت و فوریتی را که او برای بیان پیام خود قائل بود درک نماییم. او می‌بایست در یک نشست، زندگی و مأموریت عیسی مسیح را به‌نحوی بازگو کند که شنونده هم بتواند آنها را به خاطر بسپارد و هم مرهمی برای زخمهای جسمی و روحی خود بیابد. او فقط در یک فصل، دوازده بار کلمه ”فوراً“ را به‌کار

می‌برد و در تمام این انجیل کوتاه، چهل و یک بار این کلمه به‌کار رفته است. پیام و محتوا برای مرقس مهم بود، نه سبک و قالب. پیامش دارای تمام خصوصیات یک موعظه خوب است. به‌عنوان نمونه:

● از تکرار نگران نیست. مثلاً در یک جمله، سه بار کلمات “باجگیران و گناهکاران” را تکرار می‌کند (۱۶:۲-۱۵).

● او مانند تمام واعظان خوب، برای اینکه شنونده آسانتر مطالب را حفظ کند، وقایع را به‌صورت دسته‌های سه‌تایی بیان می‌کند، مثلاً:

- پیشگویی جفاها سه بار تکرار شده است (۱۳:۹-۱۳؛ ۸:۳۴-۳۷)؛

- عیسی سه بار می‌بیند که شاگردان در خواب هستند (۱۴:۳۷-۴۱)؛

- پطرس سه بار او را انکار می‌کند (۱۴:۳۰)

- پنتیوس پیلطس سه بار از مردم می‌پرسد: “آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برای شما آزاد کنم؟” (۱۵:۶-۱۴).

● مرقس مانند یک واعظ خوب مطالب خود را با یک سؤال شروع می‌کند تا شنونده را به فکر کردن وا دارد. مثلاً:

- “این کیست که حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند؟” (۴:۴)؛

- “چرا مردم این زمانه به‌دنبال آیت و حجت هستند؟” (۴:۱۲)؛

- “مردم مرا چه کسی می‌دانند؟” (۸:۲۷)؛

- “به عقیده شما من کیستم؟” (۸:۲۹)؛

- “به چه اختیاری این کارها را می‌کنی؟” (۱۱:۲۸)؛

- “چطور ملایان یهود می‌توانند بگویند که او پسر داود است؟” (۱۲:۳۵)؛

- پیلطس از مسیح می‌پرسد: “آیا تو پادشاه یهود هستی؟” (۱۵:۲)؛

- در روز یکشنبه قیام، زنها می‌پرسند: “چه کسی سنگ را برای ما از جلو قبر خواهد غلطانید؟” (۱۶:۳).

● مرقس برای انتقال پیام خود، تأکید روی مثل‌های مسیح می‌گذارد. مثلاً:

- “عیسی با مثال‌های زیادی... پیام خود را تا آنجا که قادر به فهم بودند، برای مردم بیان کرد و برای آنها چیزی بدون مثل نمی‌گفت” (۴:۳۳)؛ به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- مثل برزگر و پاشیدن بذر (۴:۵-۱)؛

- مثل رویدن یک دانه بذر در زمین: “پادشاهی خدا مانند شخصی است که در زمین بذری می‌کارد.

دانه سبز می‌شود و رشد می‌کند، اما او نمی‌داند چگونه” (۴:۲۶)؛

- مثل دانه خردل (۴:۳۰)؛

- مثل تاکستان و باغبانان ظالم (۱۲:۱-۲).

پاسخ به موضوع جفا

سؤال اصلی شنوندگان این بود که چرا خداوند اجازه می‌دهد یک گروه از مؤمنین او که از همه چیز محروم بودند، اینطور مورد جور و جفا واقع شوند. مرقس قسمت زیادی از وقت خود را صرف پاسخ به این سؤال می‌کند. همان چند کلمه آیه اول از فصل اول، موضع مرقس را روشن می‌کند. او انجیل یا خبر خوش خود را برای شنوندگانش با این آیه شروع می‌کند: "ابتدای انجیل عیسی مسیح، پسر خدا".

و جواب مرقس هم به تمام مشکلات شنوندگانش در همین چند کلمه نهفته است. او برای آن ایمانداران جفا دیده، مزده بزرگی دارد. خبر خوش او به‌طور خلاصه این است که "عیسای ناصری" هم "مسیح" است و هم "پسر خدا". پس باید به پیروزی نهایی امیدوار باشیم.

نام "عیسی"

واژه "عیسی" روی جنبه انسانی مسیح تأکید می‌کند. او مانند هر انسان دیگری در این دنیا زندگی می‌کرد. لقبی که خود عیسی برای خود به‌کار می‌برد "پسر انسان" بود. این عنوان حاکی از انسانیت کامل او بود (۲۶:۱۳). او مانند هر انسان دیگری، گرسنه و تشنه و خسته می‌شد و درد را احساس می‌کرد. او از فرط خستگی در عقب قایق خوابش برد (۴:۳۵-۴۱)، و مضطرب و دل‌تنگ می‌شد (۴:۳۴)، و می‌خواست کاسه پر درد صلیب را ننوشد (۱۴:۳۵-۳۶). او بر روی صلیب، برای لحظه‌ای حتی از کمک خدا که او را "پدر" می‌نامید نومید و مأیوس شد و گفت: "ایلی، ایلی، لما سبقتنی"، یعنی "ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کردی؟" (۱۵:۳۴).

مرقس با استفاده از این عنوان در ابتدای موعظه خود، به شنوندگان می‌گوید خبر خوشی که برای آنها دارد، در باره انسانی است مثل خود آنها که همه نوع ظلم و جور را تجربه کرده و از احساس و درد همه آنان آگاه است.

عنوان "مسیح"

واژه دومی که مرقس برای منظور خود به‌کار می‌برد، واژه "مسیح" است. مسیح به‌معنی مسح‌شده، تأئیدشده و تقدیس‌شده بوسیله خداوند برای رهایی و نجات دیگران می‌باشد. شنوندگان مرقس که غالباً از زمینه یهودیت آمده بودند، به‌خوبی با معنی این کلمه آشنا بودند. آنها می‌دانستند که برطبق پیشگویی انبیای پیشین، او برای رهایی و نجات قوم خود خواهد آمد. مرقس به‌وضوح می‌گوید که این "عیسی" همان "مسیح موعود" است. او نه تنها برای نجات و رهایی قوم خود، بلکه به‌خاطر نجات تمام انسانها مصلوب و قربانی شد. وقتی

یکی از نزدیکترین شاگردانش- یعنی پطرس- لروم تحمل درد و رنج مسیح و قربانی او را قبول نکرد، عیسی به او گفت: ”دور شو از من، ای شیطان، افکار تو افکار انسانی است، نه الهی“ (۸: ۳۳).

”پسر خدا“

واژه سوم که مرقس به کار می‌برد، واژه ”پسر خدا“ است. این عنوان، هم در نوشته‌های عهدعتیق و هم در فرهنگ یونانی، حاکی از قدرت شکست‌ناپذیر فرشتگان، مقربین درگاه الهی، قهرمانان پیروز در جنگها، قیصرها و امپراطورها بود. شنوندگان مرقس به خوبی با عمق مفهوم این واژه آشنا بودند. آنها دائماً می‌شنیدند که فلان قهرمان جنگی یا فلان امپراطور فرزند خدا است، چون در تمام جنگها پیروز بوده است. انتخاب این عنوان از نظر شنوندگان جالب و قابل توجه بود. چگونه می‌توانست انسانی ضعیف و خاکی، هم برگزیده الهی برای نجات گناهکاران به‌وسیله کفاره خود باشد، و هم پیروزمند و شکست‌ناپذیر- هم خوار و خفیف و مضروب و مجروح، و هم در عین حال، موفق و پیروزمند؟

اساس موعظه مرقس

تمام موعظه مرقس بر روی این تناقض واژه‌ها بنا شده است. او سفر نموده، خیر خوشی به ایمانداران نو مید- که بسیاری از آنها همسنگران خود را از دست داده بودند- برساند. مرقس این کار بزرگ را به‌آسانی انجام می‌دهد. خلاصه پیام مرقس به شنوندگانش در آن زمان- و به ما در این زمان- این است: ما مانند عیسی، انسان و آسیب‌پذیر هستیم. اگر دردها و جور و جفایی که متحمل می‌شویم، به‌خاطر اتحاد در هویت مسیح است، نباید از آن شرمسار و خسته‌خاطر شویم. چون این جفاها در بطن خود ممکن است برای نجات دنیای ما ضروری باشند. نباید فراموش کنیم که ما نه تنها با ”عیسای“ انسانی و با ”مسیح“ قربانی‌شده هم‌هویت هستیم، بلکه با ”پسر خدا“- مظهر قدرت لایزال الهی نیز هم‌هویت می‌باشیم. با پذیرفتن هویت ”پسر خدا“، ما قادر خواهیم بود بر تمام آلام و مصائب غلبه کنیم.

در حقیقت، این سه عنوان بیانگر نبردی ازلی و ابدی بین قوای اهریمنی و نیروهای نیکی و الهی است. انسان عادی ممکن است در برابر صاحبان قدرت‌های شریر برای زمانی کوتاه شکست بخورد و عقب‌نشینی کند، ولی اگر امین و استوار بماند، پیروزی نهایی از آن او خواهد بود.

شیطان در انجیل مرقس

قدرت‌های شریر و شیطانی در موعظه مرقس به‌صورت ارواح پلید، بیماریهای جسمی و روانی، فلج، برص، کوری، کری، لالی، گرسنگی، طوفانهای شدید، ترس و مرگ مجسم شده‌اند. کار عیسی در رویارویی با این قدرت را در انجیل مرقس به‌وضوح مشاهده می‌کنیم. او روح‌های ناپاک و دیوها را از انسانهای گرفتار

خارج می‌کند؛ بیماران را شفا می‌دهد؛ دختری را زنده می‌کند؛ جذامیان را که سیستم مذهبی زمانه ناپاک و نجس می‌پنداشت، پاک می‌سازد؛ گرسنگان را سیر می‌کند؛ کوران و کران و لالان را شفا می‌بخشد؛ و باد و طوفان- یعنی قدرت‌های مهارنشده‌ی طبیعت- را وادار به اطاعت می‌کند.

قدرت‌های اهریمنی نه تنها در بیماریها و عوامل نامرئی و طبیعی جلوه می‌کنند، بلکه گاه همان نیروهای منفی، در ساختار نظام مذهبی و فرهنگی در برابر قدرت‌های راستی و نیکی می‌ایستند. مثلاً فریسیان و کاتبان که می‌بایست حامی حق و حقیقت باشند، با هیروودیس، حاکم رومی، همدست شده، برای از بین بردن مسیح توطئه می‌کنند؛ حتی کاهن اعظم نیز آلتی در دست شیطان می‌شود. شریر حتی توانسته بود از طریق یهودای اسخریوطی، به حلقه درونی حواریون رخنه کند. حتی شاگرد شجاع و جسورش- پطرس- در بحرانی‌ترین لحظات او را تنها می‌گذارد و منکر آشنایی با او می‌شود. در جای دیگر، همان پطرس می‌خواهد عیسی را از ایفای نقش اصلی‌اش- یعنی رفتن بسوی جلجتا باز دارد.

چکیده پیام مرقس

آری، مرقس کار شیطان را در بین ایمانداران زمان خود می‌بیند- ایماندارانی که در نتیجه جور و جفا و قتل عام همسنگران خود، بسیار ترسان و نومید و نگران بودند. مرقس برای آنها مژده بزرگی دارد: اگر در ترس هستید، اگر در ایمان خود سست شده‌اید، و اگر تحمل جور و جفاهای ظالمانه شما را به شک انداخته، باید بدانید که قبل از شما هم عیسی ملقب به "مسیح"، و نیز شاگردان نزدیک او با این مشکلات روبرو بوده‌اند. شریر دست از شرارت و حمله بر نمی‌دارد، اما باید به قدرت ازلی و ابدی "پسر خدا" ایمان داشته باشیم.

ما که با انسانی مثل "عیسی" هم‌هویت هستیم، ما که همراه با "مسیح" قربان شده و درد می‌کشیم، عاقبت با "پسر خدا"- صاحب قدرت لایزال- همدم و هم‌هویت خواهیم بود. پس نباید در رویارویی با این تجربیات تلخ، خود را ببازیم و امید و ایمان خود را از دست بدهیم.

این است مژده "عیسی مسیح، پسر خدا" برای دیروز و امروز.

(نویسنده، در تیه این مقاله، از تفسیرها و کتب متعددی بهره جسته است.)

تشخیص دعوت الهی برای خدمت

مجموعه جدید- بخش اول: خدایی که شما را دعوت می‌کند

کشیش تت استیوآرت

”قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم؛ و قبل از بیرون آمدنت از رحم، تو را تقدیس نمودم“ (ارمیا ۱: ۵).

مرد جوانی که در کنار من ایستاده بود، تازه دعای گناهکاران را ادا کرده بود و مسیح را به‌عنوان منجی خود پذیرفته بود. آن یکی از لحظاتی بود که انسان احساس می‌کند که محبت خدا قلب تاریک و سرد دیگری را لمس کرده و چشمان دیگری را از برق حیات و امید جدید درخشان ساخته است. سپس، در نهایت تعجب شنیدم که این طفل در مسیح گفت که از سوی خدا دعوت دارد تا شبان شود، و از من خواست تا بلافاصله بر او دست بگذارم و او را به خدمت تعیین کنم. ناگهان احساس کردم که زمان از حرکت باز مانده و گردبادی از سوالات به ذهنم هجوم آورده: خدا از چه طریق شخص را به خدمت فرا می‌خواند؟ آیا او نوایمانان را نیز به خدمت دعوت می‌کند؟ کلیسا یا بدن مسیح چه نقشی در این میان ایفا می‌کند؟

خداوند توصیه پولس رسول به تیموتاؤس را به ذهنم آورد که می‌فرماید: ”در دست گذاشتن بر کسی شتاب مکن و در گناهان دیگران شریک مشو“ (اول تیموتاؤس ۵: ۲۲). من از دست گذاردن بر این برادر عزیز امتناع کردم و می‌خواستم اراده خود را بیشتر در این مورد بدانم. شاید شما نیز دچار این کشمکش شده باشید که بر چه کسی باید دست بگذارید و او را به خدمت منصوب کنید. شاید برخی از شما نیز در زمینه دعوت خودتان دچار کشمکش و تلاطم فکری شده باشید و از خود پرسیده باشید که خداوند چگونه این امور را بر ما روشن می‌سازد. آنچه مرا بر آن داشت تا کلام خدا را برای یافتن پاسخ جستجو کنم، همین سؤال خودم بود. لذا می‌خواهم نتایج مطالعات خود را در خصوص این موضوع مهم با شما در میان بگذارم.

خدایی که دعوت می‌کند

وقتی تعلیم کتاب‌مقدس را در خصوص دعوت الهی به خدمت مورد بررسی قرار می‌دهیم، باید ابتدا از خود خدا شروع کنیم. خدا انسان را به خدمات خاصی فرا می‌خواند؛ برای مثال، لازم است به زندگی پولس رسول نگاه کنیم؛ می‌فرماید: ”از پولس که به حکم نجات‌دهنده ما خدا و امیدمان، مسیح عیسی، رسول عیسی مسیح است“ (اول تیموتاؤس ۱: ۱، هزاره نو). می‌توانیم مشاهده کنیم که دعوت خدا شخصی است. او در

زمان‌ها و مکان‌هایی خاص، مستقیماً با انسان سخن می‌گوید. نخستین دعوت او برای این است که نجات را دریافت داریم تا او بتواند با ما مصاحبت داشته باشد. ”امین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش خداوند ما عیسی مسیح، فرا خوانده است“ (اول قرن‌تینان ۱: ۹، هزاره نو). او کسانی را که دور هستند فرا می‌خواند تا به‌واسطه پسرش عیسی مسیح نزد او بیایند و از طریق فداکاری‌اش بر صلیب، نجات یابند. درست است که همه ایمانداران دعوت دارند تا با استفاده از عطا‌های روحانی خود، مسیح را خدمت کنند، اما از کلام خدا بروشنی درک می‌کنیم که خدا بعضی را به‌طور خاص برای خدماتی معین در بدن مسیح دعوت می‌کند. این خدمات در افسسیان ۴: ۱۱ تحت این عناوین تعیین شده‌اند: رسول، نبی، مبشر، و معلمی که شبان است. در مقالات آینده به تعریف دقیق هر یک از این خدمات خواهیم پرداخت. اما در اینجا ذکر این نکته کافی است که خدمات خاصی در کتاب مقدس هست که خدا برای کلیسایش مقرر داشته است. پولس رسول به خدمات خود اینچنین اشاره می‌کند: ”و من به همین منظور بر گماشته شدم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین برای غریبه‌ودیان باشم“ (اول تیموتائوس ۲: ۷). ما همین دعوت خاص را مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهیم داد به این امید که رهنمودهایی برای کشف دعوت خودتان به‌دست دهیم.

نحوه تشخیص دعوت

خدا نه فقط خدایی است شخصی، بلکه در تاریخ نیز حضور دارد و افراد را در زمان‌هایی خاص برای تحقق اهدافی خاص بر می‌گزیند. خدا نسبت به نیازهای قومش و جهان بی‌تفاوت نیست؛ رحمت و شفقت او را بروشنی در دعوت موسی می‌بینیم تا عامل رهایی یهودیان از اسارت مصر باشد. دعوت او اغلب به سراغ کسانی می‌آید که از همان باری که دل او را می‌شکند برخوردار باشند. حدود دوازده سال پیش، این بار سنگین را احساس کردم که کلیساهای ایرانی نیاز به خادمین تربیت‌شده دارند؛ همین یقین بود که خدا مورد استفاده قرار داد تا مرا بسوی آغاز فعالیت Talim Ministries هدایت کند. خدا چه بار روحانی را در دل شما قرار داده است؟ چه نیازهایی در کلیسای شما نادیده گرفته می‌شود، یا در شهر شما مردم با چه مشکلاتی دست به‌گریبانند؟ وقتی در این نیازها غوطه‌ور می‌شوید و با دعا به‌حضور خدا می‌روید، ممکن است کلیدی برای دعوت خود بیابید.

خدایی ”همکار“

دیدیم که خدای ما خدایی است شخصی و در تاریخ ما حضور دارد؛ اما فکر می‌کنم خصوصیت حیاتی دیگری در خدا هست، در خدایی که ما را به خدمت فرا می‌خواند؛ و آن این است که خدا ”همکار“ است و می‌خواهد ما با او در خدمت همکاری کنیم. پولس می‌فرماید: ”ما فقط همکارانی هستیم متعلق به خدا، و شما مزرعه و ساختمانی متعلق به خدایید“ (اول قرن‌تینان ۳: ۹). این واقعیت که خدا مقرر داشته تا مردمانی عادی

مثل من و شما، مشیت او را تحقق بخشند، پیوسته مرا به حیرت وا داشته است. او به دنبال خادمینی امین است تا بتواند روح خود را بر آنان افاضه دارد و ایشان را برای پیشرفت ملکوتش بر روی زمین به کار برد. پولس ما را ”مزرعه‌ای“ می‌خواند که خدا می‌خواهد در آن خصائل الهی خود را در آن رشد و نمو دهد؛ این نکته این حقیقت را به ما یادآوری می‌کند که او می‌خواهد نه فقط خدمت خاصی برای او انجام دهیم، بلکه تبدیل به الگویی شویم که دیگران بتوانند از آن پیروی کنند. یعقوب رسول چنین هشدار می‌دهد: ”برادران من، مباد که بسیاری از شما در پی معلم شدن باشند، زیرا می‌دانید که بر ما معلمان، داوری سخت‌تر خواهد شد“ (یعقوب ۳: ۱). پولس همچنین ما را ”ساختمان“ می‌خواند تا نشان دهد که باید اراده او را بنا کنیم و اینکه خدمات خاصی را در کلیسا انجام دهیم. چقدر تشویق‌آمیز است که بدانیم خدا برای هر یک از ما نقشه و هدف خاصی دارد و می‌خواهد زندگی ما را برای ملکوت خود مفید و سازنده سازد. این فایده‌مندی زمانی تحقق می‌یابد که دعوت خاص خدا را برای خدمت خود کشف کنیم. هرگز آن روز را فراموش نمی‌کنم که صدای خدا را شنیدم که مرا فرا می‌خواند تا خود را برای خدمت انجیل آماده کنم. این دعوت شبیه همان چیزی بود که یعقوب توصیف کرده، می‌فرماید: ”اما آن حکمت که از بالا است، نخست پاک است، سپس صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض و ریا“ (یعقوب ۳: ۱۷).

در شماره بعد، به بررسی راههای مشخصی خواهیم پرداخت که خدا از طریق آنها، خادمین خود را برای خدماتی معین دعوت می‌کند.

اعلانات

● کتاب مشهور ”زندگی هدفمند“، نوشته ریک وارن، ترجمه کشیش منصور خواجه‌پور، منتشر شد. برای تهیه آن می‌توانید با مراجع زیر تماس بگیرید:

آمریکا: کشیش منصور خواجه‌پور به نشانی ایمیل Mansour@kelisa.org

انگلستان: مؤسسه ایلام به نشانی سایت www.elam.com

آلمان: آقای مهرداد سپهری به نشانی ایمیل danielasep@aol.com

● مجموعه مقالات ”پرستش مسیحی“ در یک مجلد منتشر شد. برای اکتساب آن با دفتر مجله تماس حاصل بفرمایید.